

۲- سیاست‌شناسی - سیاست‌سازان اخلاق و سلوک با اطرافیان و انفراد تابع و دستان است و احکام دادن افعال سکوی کارهانی که به‌مصلحت مردم باشد (فرهنگ فارسی دگر محمد عیسی به نقل از احوال النفا)

بطوریکه ملاحظه نمود سیاست به معنای مختلفه و انواع مختلف معبر و تقسیم‌بندی است و در هر دوره اجتماعی یک سبب اخلاقی و جهان‌گیری و بزه‌ای دارد و به‌همین علت سیاست بر در هر کشور و سن هر قوم و ملی مفهوم و بزه‌ای خواهد داشت .

مورس دو ورره در مقدمه کتاب اصول علم سیاست (ترجمه ابوالفضل غازی) می‌نویسد " در قرن هجدهم ، نگارش " اصول علم سیاست " آسان بود . امروزه بنده این کتاب در ایجاد حاضر خوروی دسوار نسبت‌بندی برعکس انجام دادن این وظیفه در دنیای غرب بسیار مشکل است . زیرا در غرب امروز ، به‌خلاف اروپای فرهنگ‌سویان قرن هجدهم و بدخلاف جهان کمونسیت نظریه حامی دربار " سیاست " که مورد تدبیر عموم باشد وجود ندارد . پس این چنین اندامی دارای حسیحه یک آزمون شخصی است

با این همه سیاست در صوری غرار مسکندر که وجه مسرک بسیاری از جامعه‌سازان معاصر می‌باشد . سؤا که این است که در برابر نظریه مارکسیست نظریه غربی تازه‌ای بی‌ربری کمم . بلکه مسئله این است که به نظریات طرف مقابل و نظریات خود ، چون دیده‌های سنی و غربی که باید در یک مجموعه کلی ادغام کردند نظرافکنیم .

ساختن جنس مجموعه‌ای زمان درازنی خواهد و این مقدمه به‌بجوجه یک نظریه در باب سیاست است بلکه فقط طرحی است از معدودی براس نظریه ، محسوی آن که فرضیات بسیاری را در بر می‌گیرد از جهت‌گیری عمومی آن اهمیت کمتری دارد .

به نقل از کتاب اصول علم سیاست مورس در ورره ، فرهنگ ادبیات فرانسه ، به سال ۱۸۷۰ سیاست را چنین تعریف کرده است :

" علم حکومت بر کشورها " و ترجمت را برت به سال ۱۹۶۲ علم سیاست را " فن و عمل حکومت جوامع انسانی " معنی و تعریف کرده است .

معناهای معنی که در فاصه یک قرن داده شد : حالت است هر دو حکومت را موضوع سیاست قرار دادند بدولی امروز حکومت بر سایر جوامع انسانی را با حکومت بر کشورها نزدیک می‌سازد .

مدان بر سیاست اصطلاح حکومت در جامعه جماعات تدرب سازمانی یافته و سازمان‌های فرمان‌دهنده و احبار کننده را نشان می‌دهد . بددلت عده‌ای از صاحب نظران ، سیاست را علم کشور داری می‌داند که تدرب سازمان یافته در چهار جوب اجتماع ملی است .

در هر صورت نگار ساسی در دو جهت مخالف جریان دارد ، از یکطرف میان افراد

اطمئانی که برای بدست آوردن ، تقسیم کردن یا رسیدن بقدرت مبارزه میکنند و از طرف دیگر میان قدرتی که فرمان برداری میکند و با در برابر آن مقاومت مینماید . . . !!

در کلیه جوامع اساسی و حتی در حیوانات قدرت برای دارندگان امتیازات ، افتخارات ، نافع و حتی هدفها و مناصدی دارد . پس قدرت موضوع سردی بی امان است .

در این سرد در آثار افرادی در برابر یکدیگر صف آرایی میکنند که برای استعمال مقام وزارت است اسناداری ، درجه سفارت ، کرسی سناوری ، تاجهای امیری ، پادشاهی و حتی نام معنویت و روحانیت و مرجع تقلیدی مبارزه کنند . در اجتماعات بزرگ ، برای این نعارض های سردی ، نعارضی میان گروههایی که در درون جامعه کل تشکیل شده اند رقابت میان بحثها ، پیرسناها ، اسناها و همدیگر مبارزه های طبقاتی ، برادری و مدهنی اضافه میشود .

سکل دیگر بیکار ، مردم را در برابر زور ، فرمانروایان را در برابر فرمانبرداران و اعضای اجتماع را در برابر دستگاه قدرت به مخالفت تحریک میکند . مسلماً این بیکار ، مبارزه میان مردم و قدرت نیست بلکه بیکار بین برخی از آن مردم است که زمان قدرت را بدست دارند و برخی دیگر که آنرا تحمل میکنند .

در رژیم دموکراسی ، علم سیاست اس تضادها و برخورد عقاید را در چهار چوب قواعد و مقررات موضوعه تعدیل مینماید و برای هر کس حدود و نمر و وظائف و تکالیف و مقرراتی وضع میکند که تجاوز از آن به همت حاکم اجازه میدهد که احقاق حق مطلوب را نموده و آرامش و امنیت برقرار نماید . و عملاً " معینانند منظور از اجتماع اعمال قدرت و زور آرمائی برای استعمال ساعیل و با تعلق اموال متعلق به وضعیت نیست بلکه منظور از اجتماع استقرار صلح و آرامش و تأمین سعادت و نیک بختی نوع بشر است و هر کس در حدود استعداد و مهارت و علاقه خودش در حدود مقررات موضوعه مسواقت بقاعلمتی بشغول شود تا فرصت خدمتگزاری مردم را بهتر داشته باشد .

نظریاتی که جامعه متحول ایران امروز احتیاج به اجرای یک برنامه جامع آموزش سیاسی دارد بنا بر وضعیت ملی خود کوشش میشود که موضوعات شرح زیر :

۱ - حدود اختیارات و وظائف حکومت و مردم نسبت به یکدیگر - بیدایش و تعریف دولت و عناصر تشکیل دهنده آن (جمعیت - ظمیر - قدرت عالی مستقل) شکلهای مختلفه دولت (از نظر استقلال و تحت الحمایه) طبقه بندی دولتها و طرز حکومت (سلطنتی و جمهوری) تکلیف قوای سه گانه بقیه - تضائید - مجریه ، حقوقی - سر - بحولات دولت - ماهنامه های ایران و مقایسه عصر پهلوی با دوران قاجاریه - تاریخ مشروطیت و قانون اساسی ایران و شناخت آن بعنوان یکی از ارکان و اصول ایدئولوژیک حزب رستاخیز ملت ایران - شناخت بنیادهای فکری و ایدئولوژیک اصول هفده گانه دستور انقلاب شاه و ملت و اثرات

آن در اوضاع سیاسی - اقتصادی - اجتماعی و بین‌المللی ایران ، گامیانی که بسوی تمدن بزرگ برداشته شده و گامیانی که باید برداشته شود ، نقش حزب رستاخیز ملت ایران و سازمانهای دولتی در این مورد . . . بتدریج در آینده مورد بحث قرار گیرد .

۱ - حدود اختیارات و وظائف حکومت و مردم نسبت به یکدیگر :

نظر باینکه زندگی اجتماعی و شهرنشینی مستلزم وجود ضوابط و قواعد و مقررات لازم الاجرا میباشد که محدود و بنفوذ حقوق و تکالیف افراد را معین میکند و کسانی که مقررات موضوعه را رعایت نکرده و حقوق دیگران را مورد تعدی و تجاوز فرار دهند به دادگاههای مربوطه جلب و محاکمه و مجازات میشوند بنابراین همه مردم و سازمانهای دولتی تکلیف دارند که حد خود را نگاهدارند و وظائف خود را همیشه و در همه جا و با همه کس طبق مقررات و اصول انسانیت و اعلامیه حقوق بشر انجام دهند و اگر در جوامع بشری و اجتماعات امروزی فوانب و مقررات لازم الاجرائی وجود نداشته باشد و فرار باشد که اشخاص بواسطه شخصی احقاق حق کنند در این صورت پیکار دائمی بین مردم در گرفته و مردم بطرف هت و نیستی میروند . بنابراین برای اینکه حدود اختیارات و روابط مردم نسبت به یکدیگر و حدود اختیارات حکومت نسبت مردم و روابط آنان نسبت به حکومت روشن باشد و یکدیگر تجاوز نشود و به آزادی یکدیگر لطمه ای وارد نگردد در آموزش سیاسی ضرورت دارد که این حقوق و روابط شناخته شود .

علمای علم سیاست حقوق را بطور کلی به حقوق طبیعی و حقوق موضوعه تقسیم کرده اند و در تعریف حقوق طبیعی میگویند حقوق طبیعی مجموعه ضوابط و مقرراتی است که از طرف خود طبیعت بوجود آمده و بموجب آن اختیارات و وظائف افراد جامعه معین میگردد . طرفداران حقوق طبیعی آزادی فردی ، برابری در مقابل بیابان ، آزادی قلم و نظائر آنرا حقوق طبیعی و ذاتی انسانها میدانند و معتقدند که قوانین طبیعت دائمی و عمومی است و تمام کشورها و تمام مردم باید از این حقوق متنعم و برخوردار باشند . بنظر آنان از آنجائی که قوانین طبیعی از طرف طبیعت ایجاد گردیده و مطابق طبیعت و ذات نوع انسانهاست همه آنها صحیح و موافق با مصالح و منافع نوع بشر میباشد . سقراط ، افلاطون ، ارسطو که از بزرگترین فلاسفه یونان قدیم هستند به حقوق طبیعی پی برده و حقوق مزبور را کامل و صحیح و حقوق موضوعه را نافع میدانستند .

بسیاری از فلاسفه و نویسندگان بزرگ ایران و اسلام از جمله شیخ الرئیس ، ابوعلی سینا نظریه حقوق طبیعی را نایند و آنها را دائمی و عمومی میدانست ولی با این فرق که فلاسفه ایرانی و مسلمان تحت تأثیر عقاید اسلامی خود باین نظریه تغییر شکل داده و برای آن مشأله الهی و خدائی قائل شده اند . تعالیم و احکامی که در قرآن کریم از طرف خداوند نازل گردیده است دائمی و عمومی است و همیشه و همه جا صحیح و موافق با مصالح و منافع

نوع بشر میباشد .

در قرن ۱۷ و ۱۸ ، نظریه نویسندگان و طرفداران حقوق طبیعی مورد توجه عموم قرار گرفت و بر اثر آن وقایع ۱۶۸۹ انگلستان و اعلان استقلال کنورهای امریکای شمالی در ۱۷۷۶ پیش آمد و بالاخره منجر بانقلاب کبیر فرانسه در ۱۷۸۹ گردید و در نتیجه حقوق طبیعی بعنوان اعلامیه حقوق بشر مقدمه قانون اساسی ۱۷۹۱ فرانسه بترج زیر به تصویب رسید .

" افراد جامعه دارای یکسلسله حقوق طبیعی مقدس و مسلم و غیر قابل انتقال میباشد بی اطلاعی مصادر امور از وجود این حقوق یا عدم رعایت آنها تنها منشاء و علت بدبختی اجتماعات بشری است "

افراد بشر مساوی و آزاد بدنیا میآیند و از انبرو بالطبع بایستی در تمام مدت عمر خویش از آزادی و مساوات بهره‌مند گردند . ماده ۲ مرام و مقصود اجتماعات سیاسی همانا حفظ و نگاهداری حقوق اشخاص است و این حقوق عبارت است از آزادی فردی - مالکیت شخصی ، تأسیس مالی و جانی و حق دفاع در مقابل ظلم و تعدی .

ماده ۳ - حق حاکمیت ناشی از خود ملت بوده و هیچ فردی از افراد و هیچ طبقه از طبقات مردم نمیتوانند فرمانروائی و حکمرانی کنند مگر بنمابندگی از طرف ملت .

ماده ۴ - قانون معرف و نماینده اراده عمومی بوده و تمام مردم باید شخصا " و با وسیله نمایندگان خود در وضع قوانین شرکت جویند .

ماده ۵ - هیچ عملی را نمیتوان جرم دانست مگر آنچه که قانونا " جرم شناخته شده باشد .

ماده ۶ - عقاید سیاسی و مذهبی و فلسفی و غیره آزاد است مشروط براینکه امرار این عقاید مخل نظم عمومی نگردد . اشخاص نمیتوانند عقاید و نظریات خویش را بوسیله مطبوعات منتشر ساخته و در مجامع اظهار دارند ولی در عین حال سو ، استفاده از این حق بشرحی که قانون معین خواهد کرد قابل مجازات است .

ماده ۷ - جامعه حق دارد از کلمه مستخدمین دولت نسبت بانجام وظائف محول بانان بازخواست کند .

ماده ۸ - اشخاص حق تملک اموال منقول و غیر منقول را دارا میباشند .

ماده ۹ - هیچکس نمیتواند بحال غیرتعدی و تجاوز کند و اما در مواردیکه مصلحت عمومی اقتصاد و ایجاب نماید ممکن است ملکی را از تصرف مالک منتزع ساخت مشروط براینکه قیمت عادلانه آن تعیین و قبل از خلع ید بمالک پرداخته شود .

باید دانست که اصل اعلامیه حقوق بشر از فرانسه بممالک دیگر از آن جمله در اصول

هشتم الی ۲۵ متمم قانون اساسی ایران مورخ ۲۹ شعبان ۱۳۲۵ قمری به تصویب رسیده است . اما حقوق طبیعی از طرف علمای آلمان مانند هوگو- بوختا و ساوینی مورد انتقاد شدیدی واقع گردیده است . علمای مزبور بوجود قوانینی که همه وقت همه جا قابل اجرا باشد معتقد نبودند . بعفیده آنان حقوق هر ملت را پییده خصوصیات تاریخی ، مذهبی و تمدن و آداب و رسوم و اوضاع اقتصادی و اجتماعی و سایر مشخصات آن ملت بوده و با تحول و تکامل خصوصیات مذکور حقوق آنها نیز تغییر و تکامل پیدا میکند .

حقوق موضوعه : مجموعه قوانین و مقرراتی است که از طرف خود افراد بشر وضع میشود . حقوق موضوعه مطابق اوضاع و احوال زمانی و خصوصیات و شرایط مکانی وضع میگردد . نظر براینکه شرایط و خصوصیات زمانی و مکانی ثابت و یکسان نیست بنابراین حقوق موضوعه وقتی قابل دوام و اجرا میباشد که شرایط و خصوصیات مزبور ثابت و قابل دوام باشد . بدین ترتیب حقوق موضوعه بر خلاف حقوق طبیعی نه دائمی و نه عمومی است .

حقوق موضوعه بدو قسمت منقسم است : ۱ - حقوق مدون ۲ - حقوق مرسومه - حقوق مدون را فوه مقننه تصویب میکند . حقوق مرسومه شامل عادات و رسوم و رویه‌های است که خود جامعه تدریجاً بوجود آورده است بطور کلی حقوق را به داخلی و خارجی تقسیم میکنند و هر یک از آنها را به عمومی و خصوصی منقسم مینمایند .

حقوق بین‌المللی عمومی روابط دول را با یکدیگر و همچنین روابط آنها را با سازمان‌های بین‌المللی تعیین میکنند . حقوق بین‌المللی خصوصی حدود اجرای قوانین خارجی را در داخل کشور معین میکند .

حقوق داخلی خصوصی (شامل حقوق مدنی - آئین دادرسی مدنی - حقوق بازرگانی و غیره میباشد که حقوق و تکالیف و روابط افراد را نسبت به یکدیگر معین میکند .

حقوق داخلی عمومی شامل حقوق اداری ، حقوق مالی ، حقوق جزا ، اصول محاکمات جزائی و غیره که روابط دولت را با افراد مشخص و بیان میکند . حقوق سیاسی و علم سیاست

قسمتی از حقوق داخلی عمومی است که شکل حکومت و سازمان قوای عالی کشور و وظائف و

اختیارات هر یک از آنها و همچنین روابط قوای مزبور را با هم تعیین میکند و افراد مکلف

با احترام آنان میباشد . زیرا وظائف هیأت حاکمه یا هیأت‌توزیران تأمین سعادت و خیر و صلاح مردم و بالا بردن سطح زندگی مردم است . بنابراین علم سیاست روابط دولت را با مردم و روابط و تکالیف دولت را با سازمانهای خود و سایر دول و حدود و صلاحیت دولت را چه در داخل و چه در خارج از کشور تعیین میکند . در آینده عقاید علمای علم سیاست را راجع به پیدایش و تعریف دولت و عناصر تشکیل دهنده آن بیان خواهیم کرد .